فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۴- صفحات ۴۹۶-۴۸۳

تحلیل تاریخی و گفتمانی فقدان فدرالیسم اقتصادی در برنامه‌های توسعه در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

عمار چاپی نوش‌آبادی[۱]
میثم موسائی[۲]
ملیحه شیانی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۹

چکیده

برنامه‌های توسعه را می‌توان به عنوان دیدگاهی درباره کلیت اداره جامعه در نظر گرفت. از آنجا که این برنامه‌ها به صورت مکتوب تدوین شده‌اند، آن‌ها را با روش تحلیل محتوا بررسی کرده‌ایم. در این پژوهش، بر اساس داده‌های حاصل از تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه، تلاش کرده‌ایم تا با اتخاذ یک چارچوب نظری، این داده‌ها را معنا ببخشیم و به واقعیات جامعه از منظر جریان‌های تاریخی و گفتمانی نزدیک تر شویم. ابتدا نظریات مرتبط با این دیدگاه را تشریح کرده‌ایم، سپس جریان‌های تاریخی و گفتمانی ایران را بررسی کرده و پیامدهای اجتماعی آن‌ها را تحلیل کرده ایم. درنهایت، به ارتباط این جریان‌ها با محتوای برنامه‌های توسعه پرداخته ایم.

کلمات کلیدی: تاریخ، گفتمان، فدرالیسم اقتصادی، برنامه‌های توسعه
طبقه بندی JEL: N45, P16, H11

۱. گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Ammar.chappi@gmail.com
۲. استاد دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) mousaaei@ut.ac.ir
۳. دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران mshiani@ut.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

مقدمه

تحلیل محتوا یکی از روش‌های مؤثر در بررسی اسناد مکتوب است که به استخراج کدها، دسته بندی آن‌ها به مضامین و درنهایت تبدیل مضامین به گزاره‌ها می‌پردازد. در برخی مطالعات، بیان گزاره‌ها به‌عنوان نقطه پایانی تحقیق در نظر گرفته می‌شود، اما عدم توجه به زمینه‌های تاریخی و گفتمانی شکل گیری این گزاره ها، پژوهش را ناقص باقی می‌گذارد. برای فهم کلیت یک جامعه، باید به جریان‌های تاریخی آن توجه داشت؛ چراکه بدون درک پیشینه تاریخی، شناخت واقعیات اجتماعی دشوار خواهد بود. از سوی دیگر، جریان های تاریخی به تنهایی کافی نیستند، بلکه پیامدهای آن‌ها، ازجمله شکل گیری گفتمان‌ها، نقش مهمی در ساختار آینده یک جامعه ایفا می‌کنند. این دو عنصر- تاریخ و گفتمان- درنهایت بر شکل گیری طبقات، اقشار، جریان‌های اجتماعی و همچنین سیاست‌های اقتصادی تأثیرگذار هستند. در این پژوهش، با مرور نظریات مرتبط، تلاش کرده‌ایم که ضمن تحلیل این زمینه‌ها، برنامه‌های توسعه ایران را از منظر تاریخی و گفتمانی بررسی کنیم.

تاریخ و گفتمان

مفهوم تبارشناسی در ادبیات فوکویی

تبارشناسی در اندیشه فوکو نقش مرکزی در تحلیل ارتباط میان تاریخ و گفتمان دارد. این روش، به دنبال کشف منشأ ماقبل تاریخی ارزش‌ها است. ارزش‌های غالب فرهنگی صرفاً وجود ندارند، بلکه در فرآیندهای تاریخی ارزش‌گذاری تولید شده‌اند. به همین دلیل، فوکو در تلاش است پیشینه فراموش شده ارزش‌ها را آشکار سازد.

در این راستا، با ساختن پایه‌های اخلاقی و فرا ارزش‌های عمیق و ریشه‌دار، انسانیت شکل می‌گیرد. ماقبل تاریخ که مقدم بر تاریخ جهان است و طولانی‌ترین دوره در تاریخ بشریت محسوب می‌شود، یک دوره تعیین کننده است که شخصیت انسان را شکل می‌دهد. این آرشیو ماقبل تاریخی از فرا ارزش‌ها، نشان‌دهنده آن است که ارزش‌ها نیز نتیجه فرآیندهای تاریخی و اقدامات گذشته در ارزش‌گذاری هستند؛ بنابراین، اخلاق را می‌توان محصولی تاریخی دانست که منشأ آن به مرور زمان فراموش شده است. تبارشناسی تلاش می کند تا پیش از تاریخ آن را بازیابی کرده و نشان دهد که چگونه ماهیت اخلاقی فرضی انسان، صرفاً محصول یک طبیعت دوم تحمیلی است. همزمان، تبارشناسی در پی ایجاد عادت های جدید برای افرادی است که گذشته را بازنویسی می‌کنند؛ عاداتی که ممکن است روزی به طبیعت اول تبدیل شوند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

طبیعت ثانویه و وارونگی ارزش‌ها

طبیعت ثانویه، تلاشی برای باز تعریف گذشته به‌عنوان تاریخ است، به گونه ای که فرد بخواهد در تقابل با سرچشمه های خود قرار بگیرد. وارونگی ارزش‌ها نیز به معنای تبدیل عادات محکم شده به تجربه های تاریخی جدید و خلاق است. با این حال، وارونگی بنیادی که تاریخ ارزش‌ها را شکل داده، سبب می‌شود اجرای این تغییرات بسیار چالش برانگیز باشد.

نیچه، در تبارشناسی اخلاق، دو دوره تاریخی متقابل را تشریح می کند:

۱. دوره اشرافی: اشرافیان و اربابان، خوبی‌ها را به‌صورت غریزی تأیید کرده و بدی‌ها را تحقیر می‌کردند.

۲. دوره بردگی: بردگان تلاش کردند تا خیر اربابان را با شر یکی کنند و مفهوم خیر را متضاد شر باز تعریف کنند.

به این ترتیب، اخلاق بردگی ارزش‌های بزرگان را وارونه ساخت و کینه تلخ فرو دستان، دست کم تا حدی، موفق عمل کرد. این واقعیت های اخلاقی حک شده در فرهنگ مدرن، در حقیقت نتیجه یک مبارزه قدرت تاریخی است؛ مبارزه ای که اخلاق بردگی تلاش کرده آن را در پرده‌ای از بی گناهی پنهان سازد. نیچه با برداشتن این پرده، نشان می‌دهد که ارزش‌ها در مبارزه با ارزش‌های اصلی ترویج می‌شوند. از این رو، نیاز به ارزش‌گذاری مجدد و باز تعریف اصول اخلاقی احساس می‌شود (راک‌هیل[۱]، ۲۰۲۰).

گفتمان

گفتمان یکی از مفاهیم کلیدی است که در شکل‌دهی تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب زمین، خصوصاً در نیمه دوم قرن بیستم، تأثیر بسزایی داشته است. این مفهوم در ادبیات فلسفی اجتماعی، به ویژه دوران مدرن، بسیار مورد استفاده قرارگرفته و در آثار ماکیاولی، هابز و روسو نیز دیده می‌شود. در چند دهه اخیر، اندیشه‌های متفکرانی چون امیل بنونیسته، میشل فوکو، ژاک دریدا و دیگر اندیشمندان معاصر، معنای گفتمان را دستخوش تحولات زیادی کرده است. این تفاوت‌های معنایی به حدی است که نویسندگان دانشگاهی غربی، هنگام استفاده از این اصطلاح، تأکید می‌کنند که آن را به معنای فوکویی یا به‌عنوان فرا ساختارگرایی به کار می‌برند.

---

۱. Rock hill

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

ساختار گفتمان و تأثیر آن بر ادراک اجتماعی

گفتمان را باید نظامی دانست که شیوه‌های درک ما از واقعیت را شکل می‌دهد. این مفهوم برای اشاره به روال‌های منظم و قانونمند به کار می‌رود که تبیین کننده مجموعه‌ای از گزاره‌ها هستند. به عبارت دیگر، قانون ها و ساختارهای نانوشته‌ای که گفتارها و گزاره‌های خاصی را تولید می‌کنند.

فوکو در تبیین معنای گفتمان از نقش اجتماعی کتاب مقدس مثال می‌آورد:

- در جوامع غربی، کتاب مقدس متنی است که همواره در بازار و خانه‌ها یافت می‌شود.
- مفسران سیاسی برای توضیح دیدگاه‌های خود به کتاب مقدس استناد می‌کنند.
- شرح‌ها و تفاسیر تازه‌ای بر آن نوشته می‌شود.

این نشان می‌دهد که کتاب مقدس و گزاره‌های مرتبط با آن یک گفتمان اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در مقابل، متون دینی دیگر فاقد ساختار حمایتی مشابه هستند.

مفاهیم کلیدی در گفتمان: طرد و حکم

طرد: گفتمان صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم نیست، بلکه وجود آن وابسته به دو نوع روال اساسی است:

۱. روال‌هایی که گزاره‌ها را ترویج می‌دهند.

۲. روال‌هایی که میان گزاره‌های موجود و سایر گزاره‌ها مرز ایجاد می‌کنند.

نقطه عطف مباحث فوکو درباره دانش و قدرت، در همین مفهوم طرد نهفته است؛ چراکه نظام‌های حاکم، با پیوند گفتمان‌ها با روابط قدرت، برتری گفتمان غالب را تثبیت می‌کنند.

حکم: هر حکم، اگرچه شباهت‌هایی به گزاره دارد، اما از جنس زبان محسوب نمی‌شود. مجموعه‌ای از احکام مرتبط، یک صورت بندی گفتمانی یا شبکه دانایی (اپیستمه) را شکل می‌دهند. از دیدگاه فوکو، یک گزاره زمانی به حکم تبدیل می‌شود که:

۱. در کنار احکام دیگر، در یک صورت بندی گفتمانی معنا یابد و معیارهای صدق و کذب خاص خود را داشته باشد.

۲. تکرار پذیر بوده و دامنه گسترش آن در جامعه بالا باشد.

۳. تأیید یا انکار آن دارای پیامدهای اجتماعی جدی باشد.

اپیستمه: اپیستمه مجموعه‌ای پیچیده از روابط میان دانش‌های تولید شده در یک دوره و قوانین شکل‌گیری دانش‌های جدید است. این مفهوم کمک می کند تا شباهت‌های میان علوم مختلف را در یک چارچوب نظری واحد درک کنیم. (صالحی زاده، ۱۳۹۰)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

یافته‌ها

بر اساس تحلیل مضامین مرتبط با دو مفهوم اقتصاد آزاد و فدرالیسم، محتوای برنامه‌های توسعه را بررسی کردیم و مضامین جدیدی را نیز کشف نمودیم. با استفاده از جدول پیوستگی تقاطعی در نرم‌افزار Maxqda، روابط پیچیده میان این مفاهیم را استخراج کرده‌ایم. برای انتخاب گره‌ها (نود ها) در این تحلیل، حد پایین مجموعه را روی ۷ بار همپوشانی در برنامه‌های توسعه قرار داده‌ایم؛ بنابراین، تمامی روابط استخراج شده، حداقل ۷ بار در برنامه‌های توسعه با یکدیگر همپوشانی داشته‌اند.

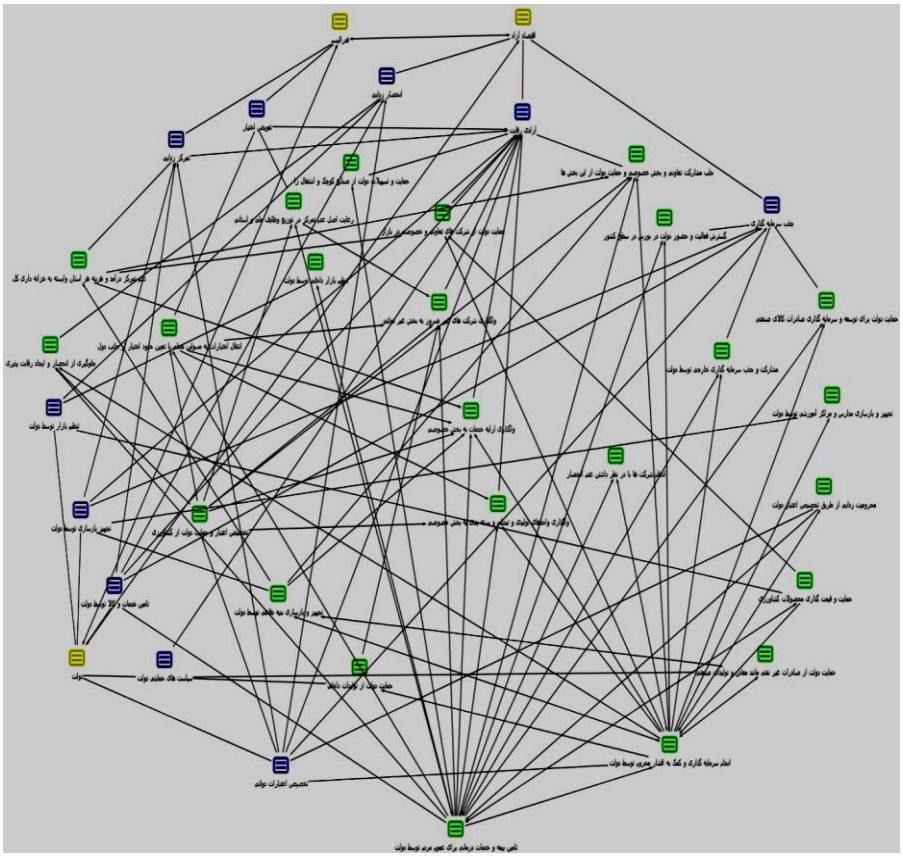

شمای کلی برنامه های توسعه بر اساس تحلیل نرم افزار maxqda

منبع: برنامه‌های اول تا ششم توسعه؛ سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

نتایج تحلیل آماری

در مرحله بعد، هر یک از کدها و مقوله ها را در نرم‌افزار SPSS به مقادیر صفر و یک تبدیل کردیم. این کار به ساده‌سازی روابط و تلخیص داده‌ها کمک می کند. تنها روابطی را ترسیم کرده‌ایم که آزمون سطح سنجش اسمی را برآورده کرده‌اند.

نتایج تحلیل روابط همبستگی به شرح زیر است:

۱. رابطه میان اقتصاد دولت محور و رقابت در اقتصاد آزاد ← شدت رابطه متوسط و جهت رابطه معکوس

۲. رابطه میان تخصیص اعتبار در اقتصاد دولت محور و رقابت در اقتصاد آزاد ← شدت رابطه پایین و جهت رابطه معکوس

۳. رابطه میان اقتصاد دولت محور و جذب سرمایه‌گذاری در اقتصاد آزاد ← شدت رابطه متوسط و جهت رابطه معکوس

۴. رابطه میان اقتصاد دولت محور و تفویض اختیار در فدرالیسم ← شدت رابطه متوسط و جهت رابطه معکوس

۵. رابطه میان اقتصاد آزاد و تفویض اختیار در فدرالیسم ← شدت رابطه پایین و جهت رابطه معکوس

۶. رابطه میان اقتصاد دولت محور و اقتصاد فدرال ← شدت رابطه بسیار بالا و جهت رابطه معکوس

همان‌طور که گفته شد، برنامه‌های توسعه را می‌توان به‌عنوان چارچوبی برای اداره جامعه در نظر گرفت که دارای سوگیری‌های اقتصادی مشخصی است. در بررسی این سوگیری‌ها، پشتوانه تاریخی نقش مهمی ایفا می کند و به مشروعیت بخشی به این دیدگاه‌ها کمک می کند.

تحلیل روابط میان اقتصاد دولت محور، اقتصاد آزاد و فدرالیسم نشان می‌دهد که این سه مفهوم در برنامه ارتباطی پیوسته و در برخی موارد متعارض دارند. بررسی این الگو ها امکان ارزیابی تغییرات اجتماعی و اقتصادی را فراهم کرده و به فهم تحولات اقتصادی و سیاست گذاری های آینده کمک می کند. برای درک بهتر این روابط، می‌توان از نظریات مرتبط با تحلیل گفتمان بهره گرفت. به ویژه، رویکرد میشل فوکو در بررسی گفتمان‌ها می‌توانند به فهم ساختارهای قدرت و شیوه‌های مشروعیت بخشی در اقتصاد و سیاست کمک کند. فوکو نشان می‌دهد که گفتمان‌ها نه تنها بازتابی از واقعیت های اجتماعی هستند، بلکه در شکل‌دهی به آن‌ها نیز نقش دارند. در این زمینه، تحلیل گفتمان می‌تواند به بررسی نحوه تعریف و مشروعیت بخشی به اقتصاد دولت محور و اقتصاد آزاد در فضای سیاست‌گذاری کمک کند. با استفاده از این رویکرد، می‌توان دید که چگونه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

زبان و مفهوم پردازی اقتصادی به تصمیم گیری های سیاسی جهت می‌دهد و چه سازوکارهای برای حفظ یا تغییر مدل‌های اقتصادی در ساختارهای قدرت به کار گرفته می‌شوند.

بررسی علل تاریخی و گفتمانی در ایران

از ابتدای شکل‌گیری حکومت‌ها در منطقه ایران، فرمانروایان مختلفی قدرت را در دست داشته‌اند. وجه مشترک تمامی این حکومت‌ها در طول تاریخ، پیروزی اقوام فاتح در میدان‌های نبرد و به دست گرفتن قدرت است. اسامی بسیاری از حکومت‌ها برگرفته از قومیت فاتح بوده و این روند تا دوران پهلوی اول ادامه داشته است.

حکومت پهلوی اول را می‌توان اولین حکومت مدرن در ایران دانست. یکی از شاخصه‌های اصلی آن قومیت زدایی گسترده و تلاش برای ایجاد یک ملت واحد بود، گرچه ریشه‌های این تغییرات از اواخر دوره قاجار آغاز شده بود که درنهایت به تشکیل مجلس نمایندگان مردم انجامید.

تحولات اقتصادی و اجتماعی

تا پیش از ورود صنایع جدید، اقتصاد ایران بر پایه کشاورزی بنا شده بود و حکومت‌ها نیز از طریق اربابان محلی بر مناطق مختلف حکمرانی می‌کردند. ساختار حکومتی به‌صورت سلسله مراتبی، از اربابان محلی آغاز و تا رأس حکومت ادامه می یافت. این ساختار تا ورود تکنولوژی های جدید و تغییرات زیرساختی در اقتصاد ایران، بیش از هزار سال دوام داشت. اولین تحول عمده پس از ورود تکنولوژی، رشد جمعیت به دلیل تحولات پزشکی بود که کاهش مرگ‌ومیر و افزایش زاد و ولد را در پی داشت. از آنجایی که اقتصاد سنتی کشاورزی دیگر پاسخگوی نیازهای جمعیت نبود، اصلاحات ارضی و فروپاشی نظام ارباب-رعیتی موجب تغییرات اساسی در معیشت مردم شد؛ اما مدل اقتصادی جایگزین برای بهره‌برداری از زمین‌ها شکل نگرفت و بسیاری از مردم به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند تا سبک زندگی جدیدی بیابند. این روند، با قانون ارث در ایران تسریع شد و زمین‌های کشاورزی به‌صورت پیوسته کوچکتر شدند. از سوی دیگر، خشک شدن قنوات و کمبود منابع آبی شرایط را بحرانی تر کرد. در نتیجه، مناطق محروم از این تحولات بیشتر از مناطق شهری آسیب دیدند، اما ساختار حکومتی سلسله‌مراتبی همچنان حفظ شد.

نقش نفت در اقتصاد ایران

پس از انقلاب صنعتی در اروپا و وابستگی کشورهای صنعتی به سوخت های فسیلی، ابتدا زغال سنگ و سپس نفت به‌عنوان منابع اقتصادی کلیدی مطرح شدند. اکتشاف نفت در ایران باعث شد که نفت جایگزین اقتصاد کشاورزی شود و منبع اصلی درآمد حکومت گردد. این امر، یکی از علل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

دوام و بقای قالب حکومتی متمرکز و سلسله‌مراتبی در ایران شد. ایران هیچ‌گاه به معنای واقعی صنعتی نشد، زیرا صنایع عمدتاً وابسته به کمک‌های دولتی بودند. برخلاف اروپای صنعتی که طبقه‌ای مستقل از سرمایه‌داران و کارآفرینان شکل گرفت، در ایران صاحبان صنایع عمدتاً وابسته به حکومت مرکزی بودند. همین وابستگی، موجب شد که دستگاه‌های اداری و صنعتی در تهران متمرکز شوند و سرمایه‌داران به این شهر نقل مکان کنند.

در نتیجه، دو طبقه عمده در ایران شکل گرفت:

۱. طبقه شهری: صاحبان صنایع، کارمندان دولتی و سرمایه‌داران که اغلب در تهران و کلان شهرها سکونت داشتند.

۲. طبقه روستایی: کشاورزان و اقشار محروم که از تحولات اقتصادی و صنعتی فاصله داشتند.

این شکاف طبقاتی، در فرهنگ عامه نیز بازتاب یافته و واژه‌هایی مانند "شهرستانی" یا "دهاتی" همچنان نشان‌دهنده تغییرات زیرساختی ناشی از این تحولات است.

برنامه‌های محرومیت زدایی و توسعه

با افزایش چالش‌های اقتصادی و رکود کشاورزی، حکومت‌ها همواره برنامه‌هایی در راستای محرومیت زدایی و احیای کشاورزی تدوین کرده‌اند. بسیاری از این اقدامات، شامل تأسیس شرکت‌های بزرگ کشت و صنعت و تخصیص منابع دولتی برای مناطق محروم بوده است.

یکی از عوامل دیگر که بر برنامه‌های توسعه تأثیر گذاشته، هشت سال جنگ ایران بود. به عنوان مثال، در برنامه اول توسعه پس از انقلاب، بسیاری از پروژه‌ها در راستای تجهیز و بازسازی مناطق آسیب دیده طراحی شدند. این امر، باعث تقویت هم گرایی و تمرکز گرایی در سیاست‌های توسعه‌ای کشور شد.

گفتمان‌های تاریخی در ایران

ارتباط تغییرات اقتصادی و شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، شیوه معیشت کشاورزی در ایران سبب شکل‌گیری گفتمانی شد که حکومت‌های متمرکز را توجیه می کند. علاوه بر این، آموزه‌های مذهبی، چه قبل و چه بعد از اسلام، نقش حمایت کننده در بازتولید این گفتمان داشته‌اند.

این گفتمان که ترکیبی از الیگارشی نظامی، سلطنت مطلقه و برگزیدگان مذهبی بود تا زمان پهلوی اول ادامه یافت؛ اما با ورود گفتمان غربی و برخورد آن با ساختار سنتی ایران، بسیاری از مفاهیم حکومتی تغییر کردند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

تقابل سه گفتمان تاریخی در ایران

پس از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین، دو گفتمان عمده جدید در کشور شکل گرفت:

۱. گفتمان ملی‌گرایی: تأکید بر حکومتی ملی و مستقل از آموزه‌های مذهبی، اما با حفظ تمرکز حکومتی برای توسعه.

۲. گفتمان چپ‌گرایی: ورود ایدئولوژی مارکسیست-لنینیستی از بلوک شرق که بر عدالت اجتماعی و حکومت اقشار محروم تأکید داشت.

۳. گفتمان مذهبی: تداوم آموزه‌های دینی در امور حکومتی، همراه با تمرکز گرایی برای توسعه کشور.

نکته مهم این است که هر سه گفتمان، با تفاوت‌هایی در نوع حکومت، به حفظ حکومتی متمرکز تأکید داشتند.

- گفتمان ملی‌گرایی خواهان توسعه بدون نقش مذهبی در سیاست بود.
- گفتمان مذهبی بر ادامه آموزه‌های دینی در حکمرانی تأکید داشت.
- گفتمان چپ‌گرایی به توسعه عدالت محور با محوریت حکومت اقشار محروم باور داشت.

درنهایت، گفتمان موجود در ایران ترکیبی از این سه گفتمان تاریخی است و تأثیر آن بر برنامه‌های توسعه و سیاست‌های حکومتی همچنان محسوس است.

پیامدهای اجتماعی تاریخ و گفتمان در ایران

با توجه به بررسی علل تاریخی و گفتمانی در ایران، تغییراتی همسو با این عوامل در جامعه شکل گرفته که مهمترین آن‌ها شکل‌گیری طبقات اجتماعی بر اساس عوامل تاریخی و گفتمانی است. طبقات اجتماعی شامل گروه‌هایی از افراد هستند که شیوه معیشت و محل ارتزاق یکسانی دارند و در رفتار و کردار اجتماعی، تحت تأثیر فرهنگ مشترک قرار می‌گیرند. این طبقات در طول تاریخ، خرده فرهنگ‌های خاصی را ایجاد کرده‌اند که در عین تنوع، تابع فرهنگ کلی جامعه باقی مانده‌اند.

طبقات اجتماعی در ایران

طبقات اجتماعی در ایران، چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام، دارای ساختاری کمابیش ثابت بوده‌اند. ازجمله طبقات تأثیرگذار در تاریخ ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حکومتمداران، اشراف و روحانیان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

در زمان صفویه، با اعلام مذهب رسمی تشیع در ایران، نفوذ روحانیت شیعه در دربار پادشاهی افزایش یافت. این نفوذ، در برهه های مختلف تاریخ، گاه کمرنگ و گاه به اوج خود رسیده است. در دوران قاجار، نقش روحانیت در ساختار حکومت و میان عموم مردم اهمیت فراوانی یافت.

اولین عمل اجتماعی که نشان‌دهنده قدرت نفوذ طبقه روحانی در جامعه بود، در جنبش مشروطه خواهی نمایان شد. این روند ادامه یافت تا سرانجام، نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی (س) مطرح شد و به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ منجر گردید.

اشراف و تجار

طبقه اشراف در ایران عمدتاً شامل زمین داران بزرگ و تجار بوده که وابستگی زیادی به دربار داشتند.

در عصر قاجار، به دلایل مختلف، قدرت اقتصادی و اجتماعی تجار و بازرگانان افزایش یافت و درنهایت، این طبقه به یکی از اقشار صاحب نفوذ در حکومت تبدیل شد. با گسترش تجارت خارجی و افزایش صادرات مواد خام به بازارهای جهانی، طبقه تجار و بازرگانان رشد چشمگیری را تجربه کرد.

از نظر سیاسی، انقلاب مشروطه سبب شد نفوذ طبقه بازرگانان افزایش یابد، به‌گونه‌ای که در نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی، تجار به‌عنوان یکی از طبقات عمده کشور شناخته شدند و سهمیه ای از کرسی‌های مجلس به آن‌ها اختصاص یافت.

با اصلاحات اقتصادی دهه ۱۳۴۰ و تمرکز دولت بر بخش صنعتی، نقش بازارهای سنتی کاهش یافت، اما پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، مجدداً این طبقه در سیاست کشور تأثیرگذار شد.

طبقه زمین داران و دهقانان

در دوران معاصر، سرنوشت طبقه زمین دار با طبقه دهقان گره خورد.

در دوران مشروطه، جنبش دهقانی مهمی شکل نگرفت، اما با اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰، تغییرات عمده‌ای در ساختار جامعه دهقانی رخ داد که درنهایت، به انحلال نظام ارباب-رعیتی انجامید.

طبقه کارگر و جنبش‌های کارگری

طبقه کارگر جدید ایران تحت تأثیر روابط تجاری با غرب، پیروزی انقلاب مشروطه و به ویژه انقلاب اکتبر روسیه شکل گرفت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

در دهه ۱۳۲۰، جنبش کارگری به اوج خود رسید و با هدایت حزب توده ایران، تأثیر قابل توجهی در سیاست‌های اقتصادی داشت. پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲، جنبش کارگری رو به افول رفت و حکومت تلاش کرد اتحادیه های کارگری دولتی را جایگزین اتحادیه های مستقل کند.

طبقه متوسط جدید

طبقه متوسط جدید ایران محصول نوسازی عصر پهلوی است که نقش مهمی در تحولات اجتماعی و سیاسی قرن بیستم ایفا کرد. این طبقه خواهان تجدید هویت ملی، منع دخالت روحانیون در سیاست، ایجاد دولت مدرن و اصلاحات گسترده اقتصادی و اجتماعی بود. با رشد گرایش‌های مذهبی و ظهور روشنفکران دینی در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، حمایت طبقه متوسط جدید از دولت کاهش یافت و پس از انقلاب اسلامی، این طبقه به تدریج مواضع سیاسی جدیدی اتخاذ کرد که زمینه ساز اپوزسیون سیاسی در جمهوری اسلامی شد. (بشیریه، ۱۳۸۱)

نتیجه‌گیری

مطالعه تاریخی و گفتمانی برنامه‌های توسعه در ایران نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی کشور نه بر اساس مدل‌های علمی توسعه اقتصادی، بلکه عمدتاً تحت تأثیر گفتمان‌های تثبیت شده قدرت و زمینه‌های تاریخی شکل گرفته‌اند. این گفتمان‌ها به طور نظام مند الگوهای تصمیم گیری را هدایت کرده و به عنوان نیرویی پنهان، مسیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را مشخص کرده‌اند.

۱. حاکمیت گفتمان تمرکز گرایی

اقتصاد ایران، به ویژه پس از اکتشاف نفت، به شدت تحت تأثیر گفتمان تمرکز گرایی حکومتی قرار گرفته است. تمرکز منابع اقتصادی در دست دولت نه تنها یک ساختار اقتصادی، بلکه یک ساز و کار گفتمانی برای توجیه نقش حکومت در هدایت توسعه بوده است. این گفتمان، با اتکا به مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی، کنترل منابع، و حفظ وحدت ملی، جایگزین هرگونه تفکر پیرامون اقتصاد آزاد یا فدرالیسم اقتصادی شده است.

۲. پیوند گفتمان مذهبی و اقتصاد دولت محور

اقتصاد دولتی در ایران نه تنها به‌صورت ابزاری برای کنترل منابع، بلکه به‌عنوان بستری برای مشروعیت بخشی به سیاست‌های مذهبی به کار گرفته شده است. گفتمان مذهبی که از دوران صفویه در ساختار حکومتی تثبیت شده، در قالب مفاهیمی مانند حمایت از محرومان، عدالت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

اجتماعی، و توزیع برابر منابع، نقش دولت را در اقتصاد تقویت کرده و توسعه اقتصاد آزاد را به چالش کشیده است.

۳. تأثیر تبارشناسی اقتصادی بر سیاست‌های توسعه

بر اساس روش تبارشناسی فوکویی، ارزش‌های اقتصادی در ایران صرفاً انتخاب های منطقی در سیاست‌گذاری نبوده اند، بلکه محصول فرآیندهای تاریخی مشروعیت بخشی هستند. به عبارت دیگر، مفهوم اقتصاد دولت محور در ایران نه تنها یک سیاست اجرایی، بلکه یک روایت تاریخی و گفتمانی از توسعه بوده است که در طول زمان تقویت شده است.

۴. تغییرات اقتصادی از طریق تحول گفتمانی

یافته های پژوهش نشان می‌دهد که گذار به اقتصاد آزاد یا فدرالیسم اقتصادی بدون تغییر در بنیان های گفتمانی، با مقاومت های جدی مواجه خواهد شد. سیاست‌های اقتصادی باید نه تنها در سطح ساختارهای اجرایی و اصلاحات ساختاری، بلکه در سطح مفاهیم و زبان سیاست‌گذاری نیز تغییر کنند. تحول در برنامه‌های توسعه ایران نیازمند بازنگری در مفاهیم سیاسی و اقتصادی است که تاکنون به‌عنوان مبانی گفتمانی سیاست‌گذاری پذیرفته شده‌اند.

۵. ضرورت تغییر در زبان سیاست‌گذاری اقتصادی

بر اساس تحلیل فوکویی، گفتمان‌ها به‌عنوان سازوکارهای تثبیت قدرت عمل کرده و مشروعیت تصمیمات اقتصادی را تضمین می‌کنند. بنابراین، هرگونه اصلاح در سیاست‌های توسعه بدون بازاندیشی در زبان و روایت اقتصادی، تغییری پایدار ایجاد نخواهد کرد. به همین دلیل، ضروری است که سیاست‌های اقتصادی با تحول در گفتمان‌های مشروعیت بخش به اقتصاد دولت محور همراه شوند تا امکان گذار به مدل‌های اقتصادی جدید فراهم شود.

اقتصاد ایران تحت تأثیر سه گفتمان اصلی تمرکز گرایی، مشروعیت بخشی مذهبی، و تبارشناسی اقتصادی تاریخی شکل گرفته است. این گفتمان‌ها به‌عنوان نیروهای پنهان در سیاست‌های اقتصادی عمل کرده و نقش تعیین کننده‌ای در ساختار تصمیم گیری داشته‌اند. بنابراین، گذار به اقتصاد آزاد یا فدرالیسم اقتصادی بدون تغییر در بنیان های گفتمانی، امکانپذیر نخواهد بود. تحول اقتصادی ایران نیازمند تحول در گفتمان‌های تاریخی و سیاسی و اصلاحات ساختاری است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

منابع

۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۱). دیباچه ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.

۲. چاپی نوش آبادی، عمار (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی فقدان فدرالیسم اقتصادی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی. پژوهش‌های توسعه، ۲ (۱)، ۲۳-۴۵.

۳. حسنی فر، عبدالرحمن و امیری پریان، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان به مثابه روش. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۵ (۱)، ۷۵-۹۱.

۴. سرایی، حسن، فتحی، سروش، و زارع، زهرا (۱۳۸۷). روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی*، ۳ (۲)، ۹۵-۱۱۸.

۵. سلطانی، سید علی اصغر. (۱۳۸۱). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. علوم سیاسی. *دانشگاه باقرالعلوم*، ۲۸ (۴)، ۴۲-۶۸.

۶. شیرازی رومنان، حسن. (۱۳۸۷). چیستی و چگونگی تحقیقات کیفی، روش تحلیل گفتمان. *نگرش راهبردی*، ۹۳ و ۹۴ (۵)، ۶۷-۸۵.

۷. صادقی، فسایی، سهیلا، و روز خوش، محمد (۱۳۹۲). نکاتی تحلیلی و روش شناختی درباره تحلیل گفتمان (با نگاهی به پژوهش‌های ایرانی). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۷ (۴)، ۱۴۵-۱۲۳.

۸. صالحی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰). درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو روش‌های تحقیق کیفی. *نشریه معرفت فرهنگی و اجتماعی*، ۱۲ (۳)، ۴۷-۶۲.

۹. فاضلی، محمد (۱۳۸۳). گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی. *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۱۴ (۱)، ۴۰-۶۰.

۱۰. کلانتری صمد، عباس زاده، محمد، سعادتی، موسی، پور محمد، رعنا، و محمد پور، نیر (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان؛ با تأکید بر گفتمان انتقادی به‌عنوان روش تحقیق کیفی. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۴ (۳)، ۸۷-۱۰۹.

۱۱. محسنی، محمد جواد (۱۳۹۱). جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف. *معرفت فرهنگی و اجتماعی*، ۱۱ (۲)، ۵۰-۷۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]

۱۲. موسائی، میثم (۱۳۸۶). امام خمینی (س)، دولت و اقتصاد، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، منابع انگلیسی

۱۳. نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۸). از تحلیل بینا متنی تا تحلیل بینا گفتمانی. *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ۱۲ (۱)، ۵۵-۷۴.

۱۴. نوذری، حمزه، و کریمی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۴۱ (۲)، ۸۹-۱۰۵.

۱۵. برنامه‌های اول تا ششم توسعه؛ سازمان برنامه ریزی و مدیریت کشور

16. Bryman, A. (2006). Integrating quantitative and qualitative research: How is it done? *Qualitative Research*, 6 (1), 97–113. https://doi.org/10.xxxx/yyyy
17. Rock hill, G. (2020). Foucault, genealogy, counter-history. *Theory & Event*, 23 (1), 1-25. https://doi.org/10.xxxx/yyyy
18. Wall, J. D., Stahl, B. C., & Salam, A. F. (2015). Critical discourse analysis as a review methodology: An empirical example. *Communications of the Association for Information Systems*, 37 (11), 1-15. https://doi.org/10.xxxx/yyyy.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-06]